

دیدگاه اشاعره و معتزله درباره غرض افعال الهی

محمدجواد حسن زاده^۱

hasanzadehmohammad@rocketmail.com

چکیده:

غایت‌مند به کسی می‌گویند که صاحب غایت است، یعنی صاحب غرض و هدف باشد. غایت‌مندی افعال الهی، یعنی صاحب غایت و غرض بودن افعال الهی. غایت‌مندی افعال الهی یکی از شاخه‌های معنای اخص حکمت است و در بحث صفات الهی قرار می‌گیرد. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی می‌باشد. موضوعی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که آیا خداوند برای فعل خودش غایت و هدفی دارد؟ در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه وجود دارد، نظریه اشاعره و نظریه مکتب معتزله.

اشاعره معتقد هستند که افعال خداوند غایت‌مند نیست، زیرا اگر خداوند فعلی را برای غرضی انجام بدهد، این نشانه‌ای از نقص در وجود او خواهد بود. آن‌ها تصور کرده‌اند که اگر فعل خداوند دارای غایت باشد آن غایت خداوند را مجبور به آن کار می‌کند. به عقیده آن‌ها نباید یک مفهوم خارجی کار خداوند را جهت دهد، بلکه ملاک خودکار خداوند است و هر کاری که او انجام دهد غایت‌مند و حسن است؛ اما معتزله معتقدند که افعال خداوند باید غایت‌مند باشد، چون اگر چنین نباشد افعال او باطل و بیهوده خواهد بود و خداوند صریحاً در قرآن بیان کرده که کار عبث انجام نمی‌دهد. هدف از انجام این تحقیق بررسی دیدگاه اشاعره و معتزله درباره غرض افعال الهی می‌باشد.

کلیدواژه: اشاعره، معتزله، غرض افعال الهی، غرض افعال، غایت، فلسفه.

مقدمه

یکی از مسائل مهم علم کلام هدفداری افعال خداوند است. معتزله طرفدار غایت و هدف داشتن کارهای خداوند هستند؛ حکیم بودن خداوند را که در قرآن مکرر به آن تصریح شده است، همین گونه تفسیر کردند که او در کارهای خود غرض و هدف دارد و از روی کمال دانایی کارها را برای اغراض و اهداف مشخص انجام می‌دهد. اما اشاعره منکر غرض و هدف داشتن خداوند شدند و مفهوم حکمت را چنین توجیه می‌کردند که آنچه خداوند انجام می‌دهد حکمت است، نه این که آنچه حکمت است، خدا انجام می‌دهد.

در نظر محققان معتزله هدف خداوند در افعال، تحقق بخشیدن نظام خیر است که آن نظام خیر عین ذات خدا است؛ زیرا تجلی ذات خداوند است. توضیح و تفصیل این مطالب در پاسخ تفصیلی بیان می‌شود.

در این تحقیق هدف پاسخگویی ذیل می‌باشد که نظریه اشاعره و نظریه مکتب معتزله پیرامون غرض افعال الهی

چیست؟

در فرضیه این تحقیق باید گفت: اشاعره منکر غرض و هدف داشتن خداوند شدند و معتزله هدف خداوند در افعال،

تحقق بخشیدن نظام خیر است.

پیشینه و تاریخچه تحقیق

ابتدا نگاه کوتاهی به سیر تاریخی و تاریخچه علمی این بحث می‌اندازیم:

بحث‌های کلامی آن‌چنان‌که از کتاب‌های تاریخی استفاده می‌شود از قرن اول هجری (نیمه دوم) آغاز شد؛ در میان بحث‌های کلامی ظاهراً از همه قدیمی‌تر بحث «جبر و اختیار» است. بحث «جبر و اختیار» خود به خود بحث «عدل» را به میان آورد؛ زیرا رابطه مستقیمی میان اختیار و عدل از یک طرف و جبر و نفی عدل، از طرف دیگر وجود دارد؛ یعنی تنها در صورت اختیار است که تکلیف، پاداش و کیفر عادلانه مفهوم و معنا پیدا می‌کند؛ متکلمان اسلامی از این‌جا دو دسته شده‌اند: دسته‌ای که از همان ابتدا معتزله نامیده شدند، طرفدار عدل و اختیار و دسته دیگر یعنی گروه اهل حدیث که بعدها اشاعره نامیده شدند طرفدار جبر و اضطرار گردیدند. این عده در مورد عدل خداوند می‌گفتند معنای عادل بودن خداوند این نیست که از قوانین قبلی به نام قوانین عدل پیروی می‌کند، بلکه این است که او منشأ عدل است؛ آنچه او انجام می‌دهد عدل است نه این‌که آنچه عدل است او انجام می‌دهد؛ عدل مقیاس فعل پروردگار نیست؛ فعل پروردگار مقیاس عدل است. «آنچه آن خسرو کند شیرین بود».

اما معتزله که طرفدار عدل بودند می‌گفتند عدل خود حقیقتی است و پروردگار به حکم این‌که حکیم است کارهای خود را با معیار و مقیاس عدل انجام می‌دهد. از این‌جا قهراً مسئله دیگری پیش آمد که نوعی توسعه نسبت به مسئله عدل محسوب می‌شود و آن مسئله «حسن و قبح ذاتی» است. آیا به طور کلی کارها دارای صفت ذاتی حسن یا صفت ذاتی قبح می‌باشند؟ چون سخن از صفات ذاتی افعال به میان آمد قهراً پای عقل و استقلال عقلی به وسط کشیده شد. آیا عقل در ادراک حسن و قبح اشیا استقلال دارد یا نه؟ معتزله به شدت طرفدار حسن و قبح عقلی شدند و گفتند ما به روشنی درک می‌کنیم افعال ذاتاً متفاوت‌اند و به وضوح درک می‌کنیم عقول ما بدون نیاز به ارشاد شرع، این حقایق را درک می‌کند.

اما اشاعره حسن و قبح عقلی را انکار کردند و گفتند: اولاً؛ حسن و قبح، اموری نسبی و تابع شرایط محیطی و زمانی هستند و ثانیاً؛ عقل مستقلاً نمی‌تواند حسن و قبح اشیا را ادراک کند، بلکه تابع شرع است. کم‌کم نوبت به مسئله چهارم رسید که زائیده مسائل قبلی است و آن این‌که آیا افعال ذات باری تعالی معلل به اغراض و غایات هستند یا نه؟ (مطهری، بی‌تاج، ۱، صص ۴۱ - ۴۵).

طبق بررسی‌های انجام شده پژوهش‌های مشابهی به صورت کتاب و مقاله تدوین شده است البته در رابطه با برخی از عناوینی که در این بخش مورد استفاده قرار گرفته است کتب‌هایی وجود دارد، ولی بصورت موضوعات فرعی هر کدام جنبه‌هایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. کتاب‌ها و مقالات تالیف شده در این زمینه:

۱. کتاب «عدل الهی» اثر مرتضی مطهری می‌باشد که نویسنده در بخش هفتم پس از طرح شبهات عدل خداوند در دنیا، به اولین شبهه از شبهات وارد به موضوع عدل خداوند در آخرت یعنی مجازات‌های اخروی می‌پردازد و پس از طرح مسئله جزا و تبیین تفاوت‌های دنیا و آخرت و کیفرها آنها را به سه دسته تقسیم و با هم مقایسه می‌کنند و در بخشی از بحث‌ها به غرض افعال الهی از منظر معتزله و اشاعره پرداخته می‌شود.

۲. مقاله «بررسی سخن اشاعره و معتزله درباره علت غایی در افعال الهی» اثر تعدادی از پژوهشگران که به واکاوی علت غایی در افعال الهی در عقاید اشاعره و معتزله می‌پردازد.

روش تحقیق

در مقاله حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از روش فیش برداری و مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. به این منظور منابع موجود مربوط به موضوع بحث شناسایی و به روش فیش برداری، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده، سپس با توجه به مبانی نظری بحث به توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

۱- شناسایی منابع موجود و فیش برداری مطالب مربوط به موضوع؛

- ۲- مطالعه و بررسی دقیق نظرات اشاعره و معتزله درباره غرض افعال الهی؛
- ۳- توصیف و تحلیل اطلاعات به دست آمده و مقایسه بین آراء اشاعره و معتزله درباره غرض افعال الهی؛
- ۴- نتیجه گیری با دقت نظر بدون قضاوت و داوری مغرضانه و شخصی.

۱. مفاهیم

۱-۱. هدف

«هدف» در لغت، نشانه‌ای است که تیرانداز در نظر می‌گیرد و تیر را به سوی آن پرتاب می‌کند (دهخدا، ۱۳۳۸، ذیل واژه هدف) و در محاورات عرفی به نتیجه کار اختیاری گفته می‌شود که فاعل مختار، از آغاز آن را در نظر می‌گیرد و کار را برای رسیدن به آن انجام می‌دهد.

نتیجه کار - هر چه باشد - از آن رو که منتهی‌الیه آن است، «غایت» و از آن رو که از آغاز، مورد نظر و قصد فاعل بوده است، «هدف و غرض» و از آن جهت که مطلوبیت آن، موجب تعلق اراده فاعل به انجام کار شده است، در اصطلاح فلسفی، «علت غایی» نامیده می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۳۱) البته گاهی در عرف به نتیجه و فایده ارزشمندی - که ارزش آن را عقل و عقلا تصدیق کنند - هدف گفته می‌شود؛ بنابراین اصطلاح، اگر کسی کاری را بدون هدف عقلایی انجام دهد، می‌گویند کار گزافی کرده است یا کار او را، از روی مسامحه، بی‌هدف می‌خوانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۸).

۱-۲. معتزله

موسس مکتب اعتزال را واصل بن عطاء الغزال می‌دانند (اسفراینی، ۱۹۸۳، ص ۶۷). کنیه وی ابو حذیفه المخزومی است (شهرستانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۵). متولد مدینه در سال هشتاد هجری است (حکمی، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۹۴۳). ابوالفتح از دی در مورد او می‌گوید: بد مردی است، کافر است. وی یکی از طرفین قضیه جنگ جمل را فاسق می‌دانست اما معین نمی‌نمود کدامیک از طرفین فاسق-اند (همان).

واصل در مکتب حسن بصری کسب علم می‌نمود و به سبب جدائی از رأی حسن بصری و حلقه درس او به معتزله مشهور شدند. وی بنیانگذار مکتب معتزله بصره می‌باشد (ملطی شافعی، ۱۹۷۷، ص ۳۸). نظر او باعث اختلاف شدید در جامعه کلامی اهل سنت شد. با نظریات او و همفکرانش مکتب کلامی جدیدی در اهل سنت ظاهر شد که سرسختانه با اهل حدیث مقابله می‌نمودند.

واصل در سال ۱۳۱ هجری دار فانی را وداع گفت (حکمی، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۹۴۳) ولی اساس مذهب معتزلی که بر مبنای خردگرایی و آزاد اندیشی و دوری از جمود است ادامه یافت. معتزله با همین مبنا به مخالفت با اهل حدیث و بسیاری از نظریات ایشان دست زدند.

معتزله به اصحاب العدل و توحید شهرت یافتند و ملقب به عدلیه و قدریه بودند (شهرستانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۲).

۱-۳. اشاعره

مکتب کلامی اشاعره، یکی از مذاهب کلامی اهل سنت است که در کتب تاریخ و فرق و مذاهب از آن با اسامی دیگری چون اشعریه، اهل تحقیق، مذهب اوسط و صفاتیه یاد می‌شود. این مکتب توسط ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری بنیانگذاری شد (ولوی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۵۹).

اشاعره آموزه‌های معتزلی و اهل حدیث (دو مکتب کلامی دیگر از اهل سنت) را به طور توأم نفی می‌کردند و با رد نقش اکتشافی عقل و پذیرش نقش دفاعی آن، حجتی نسبی برای عقل قائل شدند (بهرزولک، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

۲. نظر معتزله پیرامون غرض افعال الهی

معتزله طرفدار غایت و هدف داشتن کارهای خداوند شدند؛ حکیم بودن خداوند را که در قرآن مکرر به آن تصریح شده است همین گونه تفسیر کرده‌اند که او در کارهای خود غرض و هدف دارد و از روی کمال دانایی، کارها را برای اغراض و اهداف مشخص انجام می‌دهد و افعال باری تعالی برای یک سلسله مصلحت‌ها است (مطهری، بی تا، ج ۱، صص ۴۶ و ۴۷).

دلایل معتزله

در هر صورت استدلالی که برای نظریه معتزله می‌توان بیان کرد این است: اگر خداوند در افعال خود هدف و غرض نداشته باشد، موجب می‌شود که کارهای خداوند عبث و بیهوده باشد؛ کار بیهوده و عبث، قبیح و زشت است و از خداوند حکیم، عمل قبیح و زشت سر نمی‌زند.

۳. دیدگاه اشاعره درباره غرض افعال الهی

اشاعره منکر غرض و هدف داشتن خداوند شدند و مفهوم حکمت را که در قرآن کریم مکرر آمده است؛ مانند مفهوم عدل توجیه کرده‌اند؛ یعنی گفتند آنچه خداوند انجام می‌دهد حکمت است؛ نه این که آنچه حکمت است خدا انجام می‌دهد. از نظر آن‌ها غلط است که بگوییم افعال خدای متعال به جهت یک سلسله مصلحت‌ها است. چیزهایی که مصلحت نامیده می‌شود مخلوق خدا است (مطهری، بی تا، ج ۱، صص ۴۶ و ۴۷).

دلایل اشاعره

اشاعره نیز برای نظریه خود چنین استدلال می‌کنند: هدف و غرض داشتن در فعل نشان دهنده نقصان فاعل است و خداوند کمال محض است و هیچ نقصان ندارد؛ بنابراین هدف ندارد. اینان در توضیح این که چگونه هدف داشتن نشانه نقصان فاعل است می‌گویند: هر فاعلی که فعلی را برای هدفی انجام می‌دهد در واقع می‌خواهد خود را به کمال برساند و نقصی را از خود دور کند؛ بنابراین هدف داشتن مخصوص فاعل‌هایی است که ناقص و مستکمل باشند و بخواهند با فعل خود نقصی را بر طرف کنند و به کمال برسند، در حالی که خداوند فاعل کامل است نه فاعل مستکمل.

پاسخ استدلال اشاعره

در پاسخ استدلال اشاعره چنین گفته شده است:

هدف داشتن فاعل در صورتی موجب نقص فاعل می‌شود که غرض از فعل و نفع آن به فاعل بر گردد؛ اما اگر منفعت فعل نصیب دیگری شود، موجب نقصان فاعل نخواهد شد (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۶).

به همین جهت اندیشمندانی که این مباحث را پی‌گیری می‌کردند برای این که مباحث خلط نشود، اصطلاح «منفعت» را از اصطلاح «غایت و هدف» جدا کردند و گفتند: هر گاه آثار و نتایج مترتب بر فعلی باعث صدور فعل از فاعل شود، آن آثار و نتایج را غرض و علت غائی آن فعل نامند و بدیهی است که فاعل بدان آثار و نتایج کمال یابد؛ یعنی فاعل فعل را برای رسیدن به آن نتایج انجام می‌دهد. اما هر گاه باعث و بر انگیزنده بر فعل آثار و نتایج مترتبه بر فعل نباشد، آن آثار و نتایج را منفعت نامند. پس اگر منظور فاعل و آنچه او را بر انجام فعل بر انگیزنده است همان آثار مترتبه باشد «غایت» است و در غیر این صورت «منفعت» (سجادی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۱۳۶۶).

به عبارت دیگر، بین هدف فعل و هدف فاعل فرق گذاشتند و گفتند هدف و غایت دو گونه است:

۱. ما الیه الحركة؛ یعنی آن چیزی که حرکت به سمت او است و با رسیدن به او پایان می‌پذیرد که همان هدف فعل است.

۲. ما لاجله الحركة؛ یعنی چیزی که آغاز حرکت برای او بوده است؛ به بیان دیگر، علت فاعلیت فاعل است که همان هدف فاعل است (همان).

نتایج:

اشاعره معتقد هستند که افعال خداوند غایت‌مند نیست، زیرا اگر خداوند فعلی را برای غرضی انجام بدهد، این نشانه‌ای از نقص در وجود او خواهد بود. آن‌ها تصور کرده‌اند که اگر فعل خداوند دارای غایت باشد آن غایت خداوند را مجبور به آن کار می‌کند. به عقیده آن‌ها نباید یک مفهوم خارجی کار خداوند را جهت دهد، بلکه ملاک خودکار خداوند است و هر کاری که او انجام دهد غایت‌مند و حسن است. اما معتزله معتقدند که افعال خداوند باید غایت‌مند باشد، چون اگر چنین نباشد افعال او باطل و بیهوده خواهد بود و خداوند صریحاً در قرآن بیان کرده که کار عبث انجام نمی‌دهد.

منابع

❖ قرآن کریم

۱. بهروزلک، غلامرضا، «روش‌شناسی کلام سیاسی»، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۲. حکمی، حافظ بن أحمد، معارج القبول، الدمام، دار ابن القیم، ۱۴۱۰.
۳. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
۵. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۶. شهرستانی، عبدالکریم، الملل والنحل، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۴.
۷. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه (ج ۲)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۸. _____، خداشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.
۱۰. ملطی شافعی، ابی‌الحسین محمد بن أحمد بن عبدالرحمن؛ التنبیه والرد، القاهرة، المكتبة الأزهرية للتراث، ۱۹۷۷.
۱۱. ولوی، علی محمد، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، تهران، موسسه‌ی انتشارات بعثت، ۱۳۶۷.